



تهدیدی که برای ارمنستان هست برای ایران هم وجود دارد / ایران ممکن نیست امکان ایجاد هیچ نوع دالانی را بدهد

روبرت بگلریان درباره مواضع روسیه در برابر ارمنستان می‌گوید: من فکر می‌کنم روند امور پیچیده تر از آن است که به نظر می‌رسد. او تأکید می‌کند آذربایجان در روند نظامی سازی خود با همان شدتی که از روسیه سلاح خریداری کرد از اسرائیل نیز تهیه کرد.

به گزارش آران نیوز به نقل از سلام نیوز بیش از ۱۰۰ هزار نفر قره باغ را به مقصد ارمنستان ترک کرده اند. تصاویر منتشر شده از این منطقه نشان می‌دهد که آنها خانه و اثاثیه را رها کرده اند و تنها با یکی دو چمدان راهی شده اند. به نظر می‌رسد تنها تعداد محدودی از ارمنی ها در این منطقه هنوز باقی مانده اند. همزمان جمهوری آذربایجان خود را آماده می‌کند تا پروژه دالان زنگزور را با حمایت ترکیه، اسرائیل و همراهی روسیه پیش ببرد. در همین حال علی اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار با همتای ارمنستانی خود در تشریح آخرین تحولات قفقاز، هر گونه تغییر در ژئوپلیتیک منطقه را بی ثبات کننده دانست. احمدیان همچنین اظهار داشت گفت و گوهایی صریح و سازنده میان کشورهای منطقه بستر ساز امنیت پایدار، توسعه متوازن و رفاه و آسایش مردم منطقه است و ایران آمادگی دارد در این زمینه بسترهای لازم را فراهم آورده و نشست بین کشورهای منطقه را تمهید کند.

«روبرت بگلریان»، نماینده آرامنه جنوب ایران با حضور در خبرآنلاین و در گفت و گو با مهسا مژدهی به پرسش هایی درباره تحولات قره باغ و کوچ اجباری ارمنی ها پرداخت که در ادامه مشروح آن را می خوانید:

از نظر شما در پشت پرده اتفاقات قره باغ چه اتفاقی در حال افتادن است و آیا ایران برنامه ای برای حمایت از آرامنه در این وضعیت دارد؟

در پاسخ به این سوال باید تحولات اخیر را تا پیش از عملیات ضد تروریستی باکو در برخی از مناطق قره باغ بررسی کنیم. مناطقی که از جنگ پیشین باقی مانده بود و آرامنه در آن ساکن بودند و ظاهراً صلح بانان روسیه نیز بر آن مناطق نظارت داشتند و تحولات را مورد بررسی قرار می دادند. این مناطق پس از بستن گذرگاه لاجین توسط جمهوری آذربایجان وضعیت بحرانی پیدا کرد و در این بین مشکلاتی بین ساکنان این مناطق و دولت مرکزی ارمنستان وجود داشت و پرسش این بود که آیا باید با دولت جمهوری آذربایجان وارد مذاکره شد یا خیر و چگونه و با کدام محتوا و پیشنهاد به آن ورود کرد. آمریکا، فرانسه و کشورهای اروپایی نیز نظرات و سیاست های خود را داشتند. ضمن اینکه کم رنگ تر شدن نقش روسیه در قفقاز جنوبی شرایطی را پدید آورد که منجر به گسترش روابط و همکاری های ترکیه و جمهوری آذربایجان شد به گونه ای که بازیگری آنکارا به دلیل اشتراک منافع با باکو بیشتر شد و حضور پررنگ تری در این منطقه پیدا کرد. همه این تحولات سرانجام به جایی رسید که رئیس مجلس و رئیس جمهور قره باغ استعفا کردند. رئیس جمهور قبلی انتخاب مردم بود ولی قانون اساسی تغییر کرده بود تا در شرایط بحرانی مجلس بتواند رئیس جمهور را تعیین کند. پیش تر آذربایجان اخطار داده بود که اگر انتخاباتی در قره باغ انجام شود، به این منطقه حمله خواهد کرد. در مقطع کوتاهی هم بحث بود که حالا چون لاجین بسته است از آغدام - عسگران کمکهایی برسد و در نهایت یک کامیون در قالب کمک های انسان دوستانه با کامیون های روسی از این مسیر عبور کرد. به هر روی با سکوت و یا موافقت روس ها حمله آذربایجان صورت گرفت و ۱۲۰ هزار نفری که در چهار هزار کیلومتر باقی مانده از قره باغ کوهستانی سکونت داشتند راهی خاک ارمنستان شدند.

در بخش دوم سوال درباره کمک ها باید عنوان کنم که ایران از ابتدای بحران، مسائل قره باغ را با توجه به اصل تمامیت ارضی، داخلی می‌دید و به همین دلیل در بحث های انسان دوستانه و یا نظاره گری صلح ورود پیدا نکرد. با این حال به نظر می‌رسد ایران کمک هایی را در نظر داشته باشد، نکته اینجاست که باید ایران به عنوان یک کشور همسایه مهم سریعتر وارد عمل شود. ما در حال حاضر شاهد کمک های بی واسطه آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای اروپا و همچنین کانادا هستیم. از بعد استراتژیک نیازمند توزیع هر چه سریعتر کمک های ایران هستیم.

پیشبینی شما از تعدادی از ارمنی های باقی مانده که هنوز قره باغ را ترک نکرده اند چیست؟ آیا آنها وادار به کوچ اجباری می شوند و یا به نظر شما آذربایجان آنها را تحت پوشش قرار می دهد؟

آذربایجان اعلام کرده است که آماده پذیرش برای ادغام آرامنه ای هستند که در قره باغ باقی مانده اند. اما شواهد و استانداردهای بین المللی نشان می دهد، آنچه که عملا اجرا می شود نوعی پاکسازی قومی است. به آنها بنزین دادند و در عین حال انفجار مشکوک پمپ بنزین پیش آمد. این که جمعیتی باقی بماند بعید است. برخی ممکن است بخواهند بمانند و بخشی را ممکن است آذربایجان به عنوان گروگان برای مذاکرات آتی با ارمنستان نگه دارد و بخشی را روس ها تشویق کرده و حمایت کنند که با پاسپورت روسی یا شکل های دیگر تشویق به ماندن کنند تا خودشان بتوانند اهرم فشاری را در منطقه قره باغ داشته باشند. عملا توافق نامه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ دیگر اهمیتی ندارد. بخش مهمی از آن تبادل اسرا بود که به آن پرداخته نشد و دلیل آن کوتاهی یا سخت گیری های باکو بود. بقیه بندهای آن توافق هم الان عملا وجود ندارد. شاید نیاز به توافق نامه جدید باشد و شاید در ملاقاتی که طرفین در پنج اکتبر در گراندای اسپانیا خواهند داشت، که البته بعید است باز هم بدون مداخلات روس ها انجام شود به یک توافق جدید برسند.

یکی از مسائل مهمی که اتفاق افتاد موضع روس ها در قبال ارمنستان بود. به نظر شما چه عواملی باعث شد که روس ها پشت ارمنستان را خالی کنند. با توجه به موضع تندی که پاشینیان در قبال روسیه گرفت؟

من فکر می کنم روند امور پیچیده تر از آن است که به نظر می رسد. واقعیت این است بعد از سخنرانی معروف پوتین در مونیخ سال ۲۰۰۸ که یک نوع دکترین جدید را مطرح کرد و مسائل اشغال کریمه و... قابل پیشبینی بود که چه مسائلی ممکن است پیش بیاید. در پی حدود ۳۰ سال مذاکره گروه مینسک این کلاف سردرگم تر مانده بود و شاید بعضی از ملاحظات و برخی از توافقات باید انجام می شد که همه این ها محل بررسی است. نگاه روسیه به نحوی طی شد که روسیه احساس کرد با توجه به سیاست هایی که خودش می خواهد داشته باشد، خودش را بیشتر به ترکیه نزدیک کرد. حلقه های ژئوپلیتیک در قفقاز و خاورمیانه به هم بعد از مسائل روسیه و عراق بیشتر نزدیک شدند. بنابراین در اخبار داشتیم که از سال ۲۰۱۱ با اینکه گفته می شد به نوعی روابط راهبردی بین روسیه و ارمنستان تعریف شده بود اما از آن سال به بعد سیل سلاح های روسی به سمت آذربایجان به راه افتاد. حتی یکی دو ماه قبل از جنگ سال ۲۰۲۰ خیلی از کارشناسان نظرشان این بود که جنگی واقع خواهد شد. می شود گفت که رویکرد روسیه بعد از جنگ اوکراین به سمت پیدا کردن شرکای تازه رفت. اقتصاد روسیه به هر حال تکیه زیادی به فروش نفت و گاز دارد و بنابراین باید یک باب همکاری را با آذربایجان باز می کرد به خصوص به خاطر منابع دریای خزر و رابطه اش با ایران. یک واقعیتی هم بود که این فرهنگ در ارمنستان شکل گرفته بود که روسیه شریک استراتژیک است و به ایروان پشت نخواهد کرد. اما از طرف دیگر ارمنستان همه تخم مرغ های سبد امنیتی خود را در سبد روسیه گذاشته بود. اما من فکر می کنم خود پاشینیان به عنوان فردی غرب گرا ملاحظاتی هم دارد. ممکن است به خاطر شرایط داخلی این کشور و البته به خاطر اینکه تعریف فرهنگ دموکراتیک در دنیا به نفع دیگری داشت شکل می گرفت، یا واقعیت ها را خوب نمی دانست یا برایش ملموس نبود. واقعیت های میدانی و اقتصادی و امنیتی چیزهای دیگری متفاوت با حرف های پاشینیان را می گفتند. ناگاهی او نسبت به مسائل سیاست خارجی و مسائل ژئوپلیتیک و رویکرد روسیه باعث شد این اتفاقا بیفتد.

یکی از واقعیت ها این است که درصد وابستگی اقتصادی و ارتباط و گرایش طبقه ثروتمند با روسیه بسیار بالاست. نیروگاه اتمی با مواد اتمی روسیه راه افتاده. سیستم گاز تحت نظر روس هاست و امنیت مرزها هم همین شکل را دارد. همین اواخر ارمنستان سهم خود را در بانک اوراسیایی افزایش داده است. بخشی هم تبلیغاتی است که می شود. در کشور خودمان هم با وجود حساسیت هایی که در مورد ارتباطات کشورهای غربی با ارمنستان وجود داشته باشد، واقعیت های میدانی به شفاف سازی نکات دیگری کمک می کند که بتوانیم رویکرد مناسبی داشته باشیم.

بحث اینکه پاشینیان غرب گرا هست اشاره کردید اما دیدیم که امریکا هم عملا پشت ارمنستان را خالی کرده و اول رزمایشی انجام داد و بعد به تحولات تن داد. ماجرا از چه قرار است؟ تاجایی که من اطلاع دارم تا الان نه دولت پاشینیان درخواستی کرده که از پیمان امنیت جمعی

خارج شود و نه هیچ دولت غربی پیشنهاد مشخصی داده. ما می دانیم در حوزه مسائل امنیتی و نظامی هیچ چیزی یک شبه اتفاق نمی افتد. به خصوص که طرفت کشوری مثل روسیه باشد. اینها همه اش ملاحظات جدی است.

نقش اسرائیل را در تحولات اخیر چگونه ارزیابی می کنید؟

در جنگ دوم قره باغ و همچنین تحولات اخیر شاهد کمک های تسلیحاتی و اطلاعاتی اسرائیل به جمهوری آذربایجان بوده ایم. در اینجا باید به نکته ای مهم اشاره کنم که بعضا در رسانه ها و در موضع مقامات وزارت خارجه می بینیم و آن تداعی این مساله است که گویی اسرائیل خود را به آذربایجان تحمیل کرده است که به نظرم اشتباه است. آذربایجان در روند نظامی سازی خود با همان شدتی که از روسیه سلاح خریداری کرد از اسرائیل نیز تهیه کرد. در واقع می توان گفت که منافع اسرائیل و آذربایجان در ضدیت با ایران تعامل و اشتراکاتی پیدا کرد. بنابراین اینگونه نیست که اسرائیل خود را به زور به آذربایجان تحمیل کرده باشد بلکه این آذربایجان است که آن را انتخاب کرده است این را می توان از مواضع دیپلمات های دو طرف فهمید.

در نهایت با این ویژگی ها نقش اسرائیل در منطقه بسیار ویژه است و وقتی به مثلث اسرائیل، ترکیه و آذربایجان می نگریم و حضور تکفیری ها را بررسی می کنیم درمی یابیم که خطراتی علیه امنیت ایران وجود دارد. اگرچه ایران مواضع اعلامی خوبی نسبت به این مسائل داشته اما باید در نظر داشت که شرایط بسیار جدی است.

با توجه به سفر اردوغان به نخجوان وضعیت کریدور زنگزور چه خواهد شد؟ و در صورت بازگشایی موضع ایران چه خواهد بود؟

همانطور که می دانید طبق ماده ۹ توافق نامه ۲۰۲۰ و بازگشایی مسیرهای مواصلاتی، اصطلاح دالان تنها برای لاجین به کار رفته بود. اینطور که ما اطلاع داریم در دالان زنگزور دو مسیر پیش بینی می شده که مورد نظر آذربایجان و ترکیه و شاید هم روسیه بوده. یکی اینکه نزدیک مرز ایران باشد و یا مسیر بالاتر از منطقه جرموک یا استان وایوتس جور باشد که در شمال سیونیک قرار دارد. در تحولات دو سه سال گذشته در ۱۰۰ نقطه آذربایجان وارد خاک ارمنستان شده و حدود ۱۵۰ کیلومتر را تصرف کرده و از آن خارج نمی شود. یکی از آنها وایوتس جور در شهر جرموک است که نیروهای باکو حدود هفت یا هشت کیلومتر وارد خاک ارمنستان شده و در فاصله ۶ کیلومتری شهر مستقر هستند. آنجا هم یکی از نقاطی است که می تواند آذربایجان را به نخجوان متصل کند. نگاه توسعه طلبانه آذربایجان و ترکیه بر کسی پوشیده نیست. این مسائل می تواند برای این دو کشور یک پل مهم و استراتژیک باشد. اینکه تعاریف از نوع این دالان چه می تواند باشد متفاوت است. فعلا آنچه ما در هیاهوی رسانه ای و دیپلماتیک می بینیم استفاده از اصطلاح دالان و مسیرهای مواصلاتی است و ایروان گفته هر نوع مسیری باید تحت حاکمیت ارمنستان و بر اساس استانداردها و پروتکل های حقوق بین الملل باشد. کما اینکه در سه نقطه جاده ای نیز ارمنستان پیشنهاداتی را به آذربایجان ارائه کرده که می توانند از طریق آن جاده ها را بسط و توسعه دهند.

سوال آخر به موضع اردوغان در مورد ایران و دالان زنگزور برمی گردد. دو نگاه وجود دارد یکی اینکه این دالان برای ایران تهدید است و دیگری اینکه فرصت و درآمد است. کدام یک از این دیدگاه ها درست به نظر می رسد؟

به نظر من ایران ممکن نیست امکان ایجاد هیچ نوع دالانی را بدهد. تهدیدی که برای ارمنستان هست برای ایران هم وجود دارد. اردوغان می خواهد ابهام در اذهان عمومی ایجاد کرده یا می خواهد ارمنستان را تهییج کند که یک فرصت دارد از دست شما می رود. اگر بحث جاده است که عملا این کشور از طریق ایران به نخجوان متصل بود. اینکه چه برنامه ای برای نوع جاده ایجاد شود یا تعاریف جدیدتری از نظر گمرک و اینها ایجاد شود باید دید که دولت ایران چه نظری دارد. اما دالان به عنوان یک تعریف فرا سرزمینی که از خاک ایران یا ارمنستان رد شود به ضرر منافع و امنیت ملی به حساب می آید.

